

## پیرامون تلفظ «را» در زبان فارسی<sup>۱</sup>

### چکیده

واژه «را» در سبک گفتاری پس از واژه‌های مختوم به واکه‌ها به صورت [ro] و پس از واژه‌های مختوم به همخوان‌ها به صورت [o] تلفظ می‌شود. زیرا وجود یک همخوان پیش از واژه «را» موجب حذف همخوان /r/ می‌شود. البته این همخوان طی یک فرایند اختیاری پس از واژه‌های مختوم به سه واکه [i]، [u] و [o] نیز حذف می‌شود و یک غلت جایگزین آن می‌گردد. هدف این مقاله توصیفی-تحلیلی بررسی بافت‌های گوناگون و فرایندهای واجی‌ای است که موجب تغییر تلفظ واژه «را» می‌شوند. بدین منظور محدودیت‌هایی که تعامل‌شان در قالب رتبه‌بندی‌ها موجب رخداد این فرایندها می‌شود در چارچوب نظریه بهینگی معرفی می‌شوند. البته پیش از ورود به تحلیل‌های بهینگی ترتیب رخداد این فرایندها و تعامل‌شان با یکدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** پس‌اضافه «را»، تعامل زمینه‌چین، افراشتگی، گوناگونی آزاد، نظریه بهینگی

### ۱. مقدمه

تاکنون پژوهش‌های بسیاری پیرامون واژه «را» انجام شده است. از این میان می‌توان صادقی (۱۳۴۹)، حاجتی (۱۳۵۸)، نجفی (۱۳۶۶)، کریمی (۱۹۸۹) و تاثیرگذارترین آنها دبیرمقدم (۱۳۶۹) را نام برد. این آثار و سایر آثاری که واژه «را» را بررسی کرده‌اند غالباً به کاربردهای نحوی، کلامی یا معنایی این واژه پرداخته‌اند و تلفظ آن را مورد تحلیل قرار نداده‌اند.

۱. این عنوان با الهام از مقاله «پیرامون «را» در زبان فارسی» اثر ماندگار دکتر محمد دبیرمقدم انتخاب شده است.

این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی در چارچوب نظریه بهینگی (پرینس<sup>۱</sup> و اسمولنسکی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴/ ۱۹۹۳) انجام شده و هدف آن بررسی بافت‌های گوناگون و فرایندهای واجی‌ای است که موجب تغییر تلفظ واژه «را» می‌شوند. البته پیش از ورود به تحلیل‌های بهینگی ترتیب رخداد این فرایندها و تعامل‌شان با یکدیگر، مورد بررسی قرار می‌گیرد. شیوه انجام پژوهش بدین صورت بوده که بافت‌های گوناگون و فرایندهای واجی عامل تغییر تلفظ واژه «را» ارائه شده و مورد استدلال قرار می‌گیرند. سپس محدودیت‌هایی که تعامل‌شان با یکدیگر موجب رخداد این فرایندها می‌شود معرفی و رتبه‌بندی می‌شوند.

## ۲. تحلیل داده‌ها

دبیرمقدم (۱۳۶۹) در بخشی از مقاله خود به تحول تاریخی واژه «را» می‌پردازد. وی به نقل از کنت<sup>۳</sup> (۱۹۵۰: ۲۰۵) بیان می‌دارد که تلفظ این واژه در پارسی باستان به صورت *radij* بوده است. وی می‌افزاید که واژه «را» سپس در فارسی میانه به *raj/rad* تبدیل شده است. شقاقی (۱۳۸۷: ۶۳) بیان می‌دارد که تکواژ «را» دو تکواژگونه *[ro]* و *[o]* دارد که مقید به بافت آوایی واژه پیش از خود هستند؛ تکواژگونه *[ro]* پس از واژه‌های مختوم به واکه و تکواژگونه *[o]* پس از واژه‌های مختوم به همخوان به کار می‌رود.

تحول تاریخی واژه «را» طی سه دوره پارسی باستان، پارسی میانه و پارسی نوین را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

(۱) پارسی نوین پارسی میانه پارسی باستان

$radij > rad > raj \quad ra > or > o$

همان گونه که پیدا است، به رغم تغییرات بسیار واژه «را»، دو آوای نخست آن، یعنی */r/* و */d/* از پارسی باستان به پارسی نوین رسیده است. البته به این نکته نیز می‌توان اشاره کرد که این واژه طی تحول تاریخی خود از پنج آوا به یک آوا کاهش یافته که بیشترین تغییر نیز در دوره پارسی نوین رخ داده است. این کوتاه‌شدگی به علت بسامد بسیار زیاد کاربرد این واژه

1. Alan Prince  
2. Paul Smolensky  
3. Roland GrubbKent

می باشد، زیرا یکی از دلایل کوتاه شدن عناصر زبانی بسامد زیاد کاربرد آنهاست. به طور کلی انگیزه و دلیل اساسی کوتاه شدگی عناصر زبانی، اصل اقتصاد و کم‌کوشی زبان (زیف<sup>۱</sup>، ۱۹۴۹: vii) است. این اصل در زبان شناسی نقش‌گرا<sup>۲</sup> بر اساس بوسمن<sup>۳</sup> (۱۹۹۶) و برزما<sup>۴</sup> (۱۹۹۸) به ترتیب «قانون کمترین کوشش»<sup>۵</sup> و «اصل کوشش کمینه»<sup>۶</sup> نامیده شده است. طبق این اصل، گویشوران گرایش دارند تا در تولید عناصر زبانی، انرژی و کوشش کمتری به کار ببرند. امروزه واژه «را» با تلفظ /ra/ فقط در سبک رسمی به کار می‌رود. به سخنی دیگر، این تلفظ هیچ کاربردی در گونه گفتاری یا غیر رسمی ندارد. تلفظ این واژه به صورت [ro] یا [o] در بافت‌های گوناگون حاصل تعامل چندین محدودیت نشان‌داری و پایایی در قالب رتبه‌بندی‌های گوناگون است. این موارد در سه بخش مورد تحلیل قرار گرفته‌اند:

## ۲. ۱. تبدیل /ra/ به [ro] پس از سه واکه [a]، [e] و [a]

واژه «را» در بافت پس از واژه‌های مختوم به سه واکه [a]، [e] و [a] طی یک فرایند اجباری به [ro] تبدیل می‌شود:

(۲) «ما را» [ma ro] «و را» [va ro] «کوچه را» [kutʃe ro]

در فرایند تبدیل تکواژ /ra/ به تکواژ گونه [ro] واکه افتاده /a/ یک درجه افراشته‌تر شده و به واکه [o] تبدیل شده است. فرایند افراستگی در جم (۱۳۹۴) به صورت افزایش ارتفاع یک واکه و تبدیل آن به یک واکه افراشته یا افراشته‌تر تعریف شده است.

عامل تبدیل تکواژ /ra/ به تکواژ گونه [ro] محدودیت نشان‌داری a<sub>postposition</sub>\* است. این محدودیت تولید واکه [a] در پس‌اضافه را مجاز نمی‌شمارد. از آنجا که بر اساس دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۹۷) واژه «را» تنها پس‌اضافه زبان فارسی است، مجاز نبودن واکه [a] بر اساس این محدودیت فقط شامل این واژه می‌شود و بر سایر واژه‌های زبان فارسی اعمال نمی‌شود. گفتنی است که لحاظ کردن مقوله واژگانی postposition در این محدودیت با الگوبرداری از

1. George Kingsley Zipf
2. Functional Phonology
3. Hadumod Bussmann
4. Paul Boersma
5. Law of Least Effort
6. Principle of Minimal Effort

۷. در فارسی معیار فقط آخرین واج دو واژه «و» و «نه» واکه /a/ است.

محدودیت‌های مشخص شده با مقوله واژگانی \*DEL<sub>noun</sub> و \*DEL<sub>adjective</sub> (آنتیلا، ۲۰۰۲) صورت پذیرفته است.

از آنجا که در تبدیل تکواژ /ra/ به تکواژگونه [ro] واکه افتاده /a/ به واکه افراشته‌تر [o] تبدیل می‌شود، محدودیت پایایی IDENT[low] که تبدیل مشخصه [+ افتاده] به [- افتاده] را در برون‌داد نسبت به صورت متناظر آن در درون‌داد جریمه می‌کند، با محدودیت نشان‌داری \*a<sub>postposition</sub> در تعارض است. رتبه‌بندی (۵) فرایند اجباری تبدیل واکه افتاده /a/ به واکه افراشته‌تر [o] در واژه «را» را پس از واژه‌های مختوم به سه واکه [e]، [a] و [a] تبیین می‌کند:

$${}^2(3)*a_{popo} \gg IDENT [low]$$

رخداد این فرایند در واژه «را» پس از واژه‌های «کوچه»، «و» و «ما» که به ترتیب مختوم به سه واکه [e]، [a] و [a] هستند، در تابلوهای به هم پیوسته (۱a)، (۱b) و (۱c) مورد تحلیل قرار گرفته است:

تابلوهای به هم پیوسته (۱): افراستگی واکه

| Input:/kutʃe ra/ | *a <sub>popo</sub> | IDENT[low] |
|------------------|--------------------|------------|
| a.i [kutʃe ro]   |                    | *          |
| a.ii [kutʃe ra]  | *!                 |            |
| Input:/va ra/    |                    |            |
| b.i [va ro]      |                    | *          |
| b.ii [va ra]     | *!                 |            |
| Input:/ma ra/    |                    |            |
| c.i [ma ro]      |                    | *          |
| c.ii [ma ra]     | *!                 |            |

همان گونه که آشکار است، گزینه‌های (ii) در هر سه تابلو به علت داشتن واکه [a] در واژه «را» محدودیت نشان‌داری \*a<sub>popo</sub> را نقض کرده‌اند. ولی گزینه‌های (i) که فاقد این واکه در واژه «را» هستند این محدودیت را رعایت کرده‌اند. بنابراین، گزینه‌های (i) به عنوان برون‌داد بهینه برگزیده شده‌اند.

## 1. ArtoAnttila

۲. واژه postposition به صورت کوتاه شده popo تبدیل شده است.

## ۲.۲. تبدیل /ra/ به [o] پس از همخوان‌ها

تکواژ /ra/ در بافت پس از واژه‌های مختوم به یک همخوان به تکواژگونه [o] تبدیل می‌شود:

(۴) «پول را» /pul ra/ → [pulo] «من را» /man ra/ → [mano]  
 «توپ را» /tup ra/ → [tupo] «در را» /dar ra/ → [daro]

بر اساس شقاقی (۱۳۸۷: ۷۴-۷۳) تکواژگونه [o] یک پی‌بست است، زیرا به یک میزبان (واژه‌ماقبل خود) بچسبند. مطابق با توضیحاتی که کاتامبا<sup>۱</sup> (۱۹۹۳: ۲۴۶-۲۴۵) ارائه می‌دهد، تکواژگونه [o] را باید یک واژه‌بست ساده<sup>۲</sup> به شمار آورد. بر اساس تعریف کاتامبا واژه‌بست‌هایی که صورت کوتاه شده‌ی واژه‌های خودایستا<sup>۳</sup> هستند، واژه‌بست ساده نامیده می‌شوند. مانند واژه‌بست‌های s, 've و 's در زبان انگلیسی که به ترتیب صورت‌های کوتاه‌شده‌ی واژه‌های خودایستای have, has و is هستند. کاتامبا می‌افزاید: تفاوت واژه‌بست‌های ساده با واژه‌های تمام‌عیار این است که آنها باید به لحاظ واجی به یک میزبان بچسبند. زیرا آنها به لحاظ نوایی ناقص<sup>۴</sup> هستند و به طور مجزا امکان رخداد ندارند. نحوه‌ی چسبیدن واژه‌بست‌های ساده به میزبان تابع قواعد واجی فراواژگانی<sup>۵</sup> است.

برای نمونه، مراحل اشتقاق بازنمایی آوایی [mano] از بازنمایی واجی /man ra/ در (۵) نشان داده شده است:

rmanə /man ra/ حذف

(۵) بازنمایی واجی

[mano]

افراستگی mano بازنمایی آوایی

در اشتقاق (۵) مختوم به همخوان بودن واژه «من» شرایط حذف همخوان /r/ را فراهم کرده است. با حذف این همخوان، تک‌هجای واژه «را» در واقع آغاز خود را از دست می‌دهد. ولی از آنجا که در زبان فارسی هجاها باید دارای آغاز باشند، همخوان /n/ به عنوان آخرین همخوان واژه «من» به آغاز تهی هجایی که واکه /a/ یا /o/ در هسته آن قرار دارد، منتقل می‌شود. انتقال

1. Francis Katamba
2. Simple Clitic
3. Self-Standing
4. Prosodically Deficient
5. Post-Lexical Phonological Rules

یک همخوان از یک هجا به هجای مجاور «هجابندی مجدد» نامیده می‌شود (جم، ۱۳۹۴ الف؛ جم، ۱۳۹۴ ب). همچنین، بین فرایند حذف همخوان /r/ و افزایش «تعامل زمینه‌چین» وجود ندارد. زیرا حذف همخوان /r/ هیچ نقشی در فرایند افزایش نگین ندارد. گفتنی است که دلیل تقدم فرایند حذف همخوان /r/ بر فرایند افزایش است که در برخی از لهجه‌ها و گویش‌ها ساختی همچون «من را» به صورت [mana] تلفظ می‌شود. خود این امر نشان می‌دهد که ابتدا حذف همخوان /r/ رخ می‌دهد، بعد در فارسی معیار افزایش رخ می‌دهد و در آن لهجه‌ها و گویش‌ها فرایند دوم رخ نمی‌دهد.

محدودیت نشان‌داری \*C]r<sub>popo</sub> عامل حذف همخوان /r/ در واژه «را» در بافت پس از واژه‌های مختوم به یک همخوان است. این محدودیت با الگوبرداری کلی از محدودیت نشان‌داری C]stemx (مک‌براید، ۲۰۰۴: ۱۳۳) صورت‌بندی شده است. محدودیت ضد حذف MAX (مک‌کارتی و پرینس، ۱۹۹۵) در برابر آن قرار دارد و حذف هر واجی را در برون‌داد جریمه می‌کند. رتبه‌بندی (۶) دو فرایند حذف همخوان /r/ در بافت پس از واژه‌های مختوم به یک همخوان و تبدیل واکه افتاده /a/ به واکه افراشته‌تر [o] را تبیین می‌کند:

$$(6) *C] r_{popo}, *a_{popo} \gg MAX \gg IDENT [low]$$

رخداد این دو فرایند در واژه «را» پس از واژه مختوم به همخوان «من»، در تابلوی (۲) مورد تحلیل قرار گرفته است:

تابلوی (۲) حذف همخوان /r/ و افزایش واکه

| Input: /man ra/ | *C]r <sub>popo</sub> | *a <sub>popo</sub> | MAX | IDENT [low] |
|-----------------|----------------------|--------------------|-----|-------------|
| a. [mano]       |                      |                    | *   | *           |
| b. [mana]       |                      | *!                 | *   |             |
| c. [man ro]     | *!                   |                    |     | *           |
| d. [man ra]     | *!                   | *                  |     |             |

همان‌گونه که آشکار است، گزینه‌های (c) و (d) به علت داشتن همخوان [r] در بافت پس از همخوان [n] محدودیت نشان‌داری \*C]r<sub>postposition</sub> را نقض کرده و از رقابت کنار رفته‌اند. ولیدو گزینه (a) و (b) که فاقد همخوان [r] هستند این محدودیت را رعایت کرده و

1. Resyllabification
2. Alexander Ian MacBride

رقابت شان به محدودیت نشان‌داری  $a_{\text{popo}}$ \*کشیده شده است. گزینه (b) به علت داشتن واژه [a] این محدودیت را نقض کرده است. بنابراین، گزینه (a) که فاقد این واژه است این محدودیت را رعایت کرده و به عنوان برون‌داد بهینه برگزیده می‌شود.

### ۲.۳. تبدیل /ra/ به [ro] یا [o] پس از سه واکه [i]، [u] و [o]

واژه «را» در بافت پس از واژه‌های مختوم به سه واکه [i]، [u] و [o] به طور اختیاری به یکی از دو تکواژگونه [ro] یا [o] تبدیل می‌شود:

(۷) «چی را» [tʃi ro] ~ [tʃijo]

«پتو را» [patu ro] ~ [patuwo]

«کادو را» [kado ro] ~ [kadowo]

همان گونه که در [tʃijo]، [patuwo] و [kadowo] آشکار است، یک غلت جایگزینهمخوان /r/ شده است. این جایگزینی بدین صورت بوده که ابتدا همخوان /r/ حذف شده و این حذف موجب التقای واکه‌ها شده است. سپس، این التقای واکه‌ها از طریق درج یک غلت به عنوان همخوان میانجی برطرف شده است. مراحل اشتقاق بازنمایی‌های آوایی [tʃijo]، [patuwo] و [kadowo] به ترتیب از بازنمایی‌های واجی /tʃi ra/، /patu ra/ و /kado ra/ بدین صورت خواهد بود:

(۸) بازنمایی واجی /tʃi ra/، /patu ra/، /kadora/ حذف r (التقای واکه‌ها) patuakadoatʃija درج غلت میانجی (رفع التقای واکه‌ها) patuwakadowatʃija افزایش‌دهنده تلفظ آوایی [patuwo][kadowo] [tʃijo]

پیرامونچرایجایگزینهمخوان /r/ با غلت میانجی، باید گفت که تلفظ توالی [i] و [j] راحت‌تر از تلفظ توالی [i] و [r] و تلفظ توالی [u] و [w] یا توالی [o] و [w] نیز راحت‌تر از تلفظ توالی

۱. صادقی (۱۳۶۵) بیان می‌دارد که همخوان میانجی [j] در بیشتر موارد به صورت کامل تلفظ می‌شود. اما همخوان میانجی [w] در اکثر موارد به صورت خفیف و گاه به شکل بسیار خفیف تلفظ می‌شود. به طوری که برخی مؤلفان آنها را نادیده انگاشته و یا این‌که تصور کرده‌اند که در این گونه موارد دو واکه بدون هیچ گونه واسطه در کنار هم قرار می‌گیرند.

[u] و [r] یا توالی [o] و [r] است. زیرا با توجه به دلایل زیر، تولید واکه افراشته [i] تولید غلت افراشته [j]، و تولید دو واکه گرد [u] و [o] تولید غلت گرد [w] را تسهیل می‌کند.

هنگام تلفظ واکه افراشته [i]، زبان نزدیک به کام‌قرار می‌گیرد. هنگام تلفظ غلت افراشته [j] نیز زبان دقیقاً در همان وضعیت، یعنی نزدیک به کام قرار می‌گیرد. بنابراین، هنگام تلفظ توالی [i] و [j] مثلاً در [tʃijɔ] زبان پس از تولید واکه [i]، در همان وضعیت افراشته (نزدیک به کام) نیم‌واکه [j] را نیز تولید می‌کند. ولی هنگام تلفظ توالی [i] و [r] در [tʃi\_rɔ] زبان پس از تولید واکه [i]، باید تغییر وضعیت بدهد تا بتواند همخوان [r] را تولید کند.

توالی [u] و [w] یا توالی [o] و [w] مثلاً هنگام تلفظ [patuwo] یا [kadowo] فقط توسط یک اندام فراگویی، یعنی لب‌ها تولید می‌شود. بدین صورت که هنگام تلفظ [patuwo] یا [kadowo] پس از تولید واکه [u] یا [o]، لب‌ها در همان وضعیت گردشده، نیم‌واکه [w] را نیز تولید می‌کنند. ولی توالی [u] و [r] یا توالی [o] و [r] مثلاً هنگام تلفظ [patu\_ro] یا [kado\_ro] توسط دو اندام جداگانه یعنی لب‌ها و زبان تولید می‌شوند.

محدودیت نشان‌داری [AGREE[+high]] که ایجاب می‌کند دو واج مجاور در مشخصه افراشته مطابقت داشته باشند، موجب مجاورت واکه افراشته [i] و غلت افراشته [j] است. همچنین، محدودیت نشان‌داری [AGREE[+round]] که ایجاب می‌کند دو واج مجاور در مشخصه گرد مطابقت داشته باشند، موجب مجاورت هر یک از دو واکه گرد [u] و [o] با غلت گرد [w] می‌باشد. این دو محدودیت از خانواده محدودیت‌های [AGREE[F]] (لومباردی، ۱۹۹۶؛ باکوویچ: ۲۰۰۰) می‌باشند.

به هدف اختصار، در این پژوهش محدودیت <sup>۲</sup>AGREE به عنوان نماینده دو محدودیت [AGREE[+high]] و [AGREE[+round]] به کار رفته است. محدودیت [AGREE[+high]] عامل صلیج‌ایگزینی همخوان /r/ با غلت در بافت بین سه واکه [i]، [u] و [o] و واکه [o] یواژه «را» است.

هر گاه درجی رخ می‌دهد محدودیت پایایی ضد درج DEP نیز باید در رتبه‌بندی قرار بگیرد. محدودیت [AGREE] باید بر دو محدودیت پایایی MAX و DEP مسلط باشد. زیرا

#### 1. Linda Lombardi

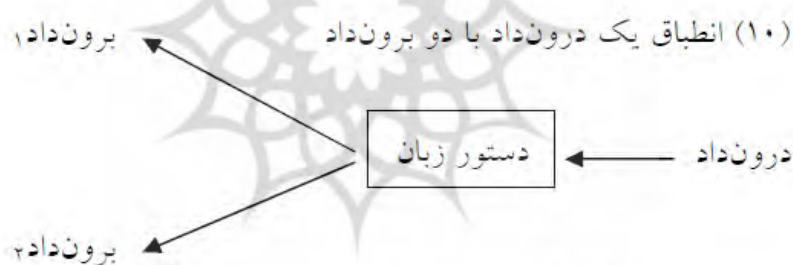
۲. لومباردی (۱۹۶۶) نیز [AGREE] را بدون ذکر مشخصه مورد نظر در صورت این محدودیت به کار برده است.



محدودیت MAX مانع حذف همخوان /r/ و محدودیت DEP مانع درج غلت می شوند. رتبه‌بندی (۹)، تبیین‌کننده تعامل زمینه‌چینند و فرایند حذف همخوان /r/ و درج غلت افزون بر افزایش است:

(9)\* $\alpha_{\text{popo}} \gg \text{AGREE} \gg \text{MAX, DEP} \gg \text{IDENT} [\text{low}]$

اما همان گونه که پیشتر بیان شد و نمونه‌های از آن در (۷) ارائه گردید، جایگزینی یا عدم جایگزینی همخوان /r/ با غلت در بافت بین سه واژه [i]، [u] و [o] و واژه [o] یواژه «را» فرایندی اختیاری است. به سخی دیگر، هر دو تلفظ در گونه گفتاری به کار می‌رود. در این وضعیت که اختیاری بودن<sup>۱</sup> یا گوناگونی آزاد<sup>۲</sup> نامیده می‌شود مثلاً تلفظ «چی را»، «پتو را» و «کادو را»، به دو صورتی که در (۷) ارائه گردید، منجر به تغییر معنی واژه نمی‌شود. گوناگونی آزاد در نظریه بهینگی به صورت انطباق یک درون‌داد با دو برون‌داد که هر دو دستوری هستند، تعریف می‌شود (کگر<sup>۳</sup> ۱۹۹۹: ۴۰۴-۴۰۷).



منظور از اختیاری بودن گونه‌ها این نیست که این پدیده کاملاً غیرقابل پیش‌بینی باشد، بلکه حاکی از این است که توزیع دو برون‌داد یا دو گونه در کنترل اصول دستور زبان نیست و دامنه گسترده‌ای از عوامل فرادستوری<sup>۴</sup> در انتخاب یک گونه نسبت به گونه دیگر دخالت دارد؛ این عوامل شامل متغیرهای زبانی - اجتماعی همچون جنسیت، سن، طبقه اجتماعی و سطح سواد و متغیرهای کنشی<sup>۵</sup> از قبیل سبک و سرعت گفتار می‌باشند. از این رو، تبیین گوناگونی آزاد برای رویکردهای صورت‌گرا از جمله واج‌شناسی اشتقاقی قاعده‌بنیاد و نظریه بهینگی چالش‌برانگیز

1. Optionality
2. Free Variation
3. Rene Kager
4. Extragrammatical
5. Performance Variables

است. در نظریه اشتقاقی قاعده‌بنیاد، قواعد اختیاری<sup>۱</sup> به عنوان راه حل مسئله گوناگونی آزاد در نظر گرفته می‌شوند؛ در یک اشتقاق، رخداد یا عدم رخداد یک قاعده اختیاری منجر به تولید داده‌های متفاوتی می‌شود. مسئله گوناگونی آزاد برای نظریه بهینگی چالش‌برانگیزتر است. زیرا دستور زبان آن، یک ابزار انطباق درون‌داد – برون‌داد به شیوه‌ای جبرگرایانه<sup>۲</sup> است؛ بدین مفهوم که هر درون‌داد، فقط با یک برون‌داد یگانه، که هماهنگ‌ترین گزینه نسبت به سلسله‌مراتب محدودیت‌هاست، انطباق می‌یابد. بر این اساس، یک رقابت جبرگرایانه نمی‌تواند دو گزینه برنده (بهینه) داشته باشد. برخلاف قاعده‌ها، محدودیت‌ها ابزار خاص یک زبان نیستند که به طور اختیاری اعمال شوند، بلکه آنها عناصر دستور جهانی هستند که در هر دستور زبانی بالقوه فعال هستند. از این رو، راه حل مسئله گوناگونی آزاد تنها در رتبه‌بندی محدودیت‌ها نهفته است. در این راستا، رویکرد رتبه‌بندی آزاد<sup>۳</sup> توسط پرینس و اسمولنسکی (۱۹۹۳: ۵۱) مطرح شده و به عنوان همتای قاعده اختیاری مورد بحث قرار گرفته است (کیپارسکی ۱۹۹۳، کگر ۱۹۹۴، رینولدز<sup>۴</sup> ۱۹۹۴، آنتیلا ۱۹۹۵). طبق این رویکرد، رتبه‌بندی ثابت دو محدودیت  $C_1$  و  $C_2$  دیگر مفروض نیست، بلکه آنها به طور آزاد رتبه‌بندی می‌شوند و روال ارزیابی دو شق می‌شود؛ در یک شق،  $C_1$  بالاتر از  $C_2$  و در شق دیگر  $C_2$  بالاتر از  $C_1$  رتبه‌بندی می‌شود. انتخاب برون‌داد واقعی به این بستگی دارد که در لحظه تولید یک واژه توسط یک گویشور، کدام یک از این دو محدودیت بالاتر از دیگری قرار بگیرد. پس در چارچوب رویکرد رتبه‌بندی آزاد ارزیابی رخداد اختیاری فرایند «جایگزینی یا عدم جایگزینی همخوان /r/ با یک غلت» به دو «زیرسلسله مراتب<sup>۵</sup>» تقسیم می‌شود که هر کدام یک برون‌داد بهینه را برمی‌گزیند؛ برون‌داد بهینه طبق رتبه‌بندی (۹) گزینه دارای غلت و برون‌داد بهینه طبق رتبه‌بندی (۱۱) گزینه دارای همخوان /r/ است. تسلط و محدودیت پایایی MAX و DEP بر محدودیت AGREE مانع حذف همخوان /r/ و درج غلت می‌شود:

(11) \*q<sub>popo</sub>>> MAX, DEP>> AGREE>>IDENT [low]

1. Optional Rules
2. Deterministic
3. Free Ranking
4. William T. Reynolds
5. Subhierarchy

رخدادِ اختیاری «جایگزینی یا عدم جایگزینی همخوان /r/ با یک غلت» در ساخت «چی را» در تابلوهای به هم پیوسته (۳a) و (۳b) مورد تحلیل قرار گرفته است:

تابلوهای (۳a) و (۳b) اختیاری‌بودگی در (عدم) جایگزینی همخوان /r/ با غلت

| Input: /tʃi ra/ |                    |       |     |       |             |
|-----------------|--------------------|-------|-----|-------|-------------|
|                 | *a <sub>popo</sub> | AGREE | MAX | DEP   | IDENT [low] |
| a.i [tʃijɔ]     |                    |       | *   | *     | *           |
| a.ii [tʃi ro]   |                    | *!    |     |       | *           |
| a.iii [tʃi ra]  | *!                 | *     |     |       |             |
|                 | *a <sub>popo</sub> | MAX   | DEP | AGREE | IDENT [low] |
| b.i [tʃi ro]    |                    |       |     | *     | *           |
| b.ii [tʃijɔ]    |                    | *!    | *   |       | *           |
| b.ii [tʃi ra]   | *!                 |       |     | *     |             |

همان گونه که در هر دو تابلوی (۳a) و (۳b) آشکار است، گزینه‌های (i) به دلیل داشتن واکه [a] در پس‌اضافه «را» محدودیت مسلط \*a<sub>popo</sub> را نقض کرده و در همان آغاز از رقابت کنار رفته‌اند. سپس، در تابلوی (۳a) رقابت دو گزینه (a.i) و (a.ii) که محدودیت مسلط \*a<sub>popo</sub> را رعایت کرده‌اند، به محدودیت AGREE کشیده شده است. گزینه (a.ii) به علت عدم مطابقت واج‌هایش در مشخصه [+افراشته] این محدودیت را نقض کرده است. بنابراین، گزینه (a.i) که در آن واج‌های [i] و [j] در مشخصه [+افراشته] مطابقت دارند این محدودیت را رعایت کرده و به عنوان برون‌داد بهینه برگزیده شده است. اما در تابلوی (۳b) رقابت دو گزینه (b.i) و (b.ii) که محدودیت مسلط \*a<sub>popo</sub> را رعایت کرده‌اند، به دو محدودیت پایایی MAX و DEP کشیده شده است. گزینه (a.ii) به علت حذف همخوان /r/ و درج غلت این دو محدودیت را به ترتیب نقض کرده است. بنابراین، گزینه (a.i) که هیچ حذف و درجی در آن رخ نداده، این دو محدودیت را رعایت کرده و به عنوان برون‌داد بهینه برگزیده شده است.

### ۳. نتیجه‌گیری

نوآوریمقاله پیش‌رو این است که نخستین پژوهشی می‌باشد که به تلفظ واژه «را» پرداخته است. به رغم تغییرات بسیار واژه «را»، دو آوای نخست آن، یعنی /r/ و /a/ از پارسی باستان به

پارسی نوین رسیده است. البته این واژه با تلفظ /ra/ فقط در سبک رسمی به کار می‌رود و هیچ کاربردی در گونه گفتاری یا غیر رسمی ندارد. این واژه طی تحول تاریخی خود از پنج آوا به یک آوا کاهش یافته که بیشترین تغییر نیز در دوره پارسی نوین رخ داده است. این کوتاه‌شدگی به علت بسامد بسیار زیاد کاربرد این واژه می‌باشد. تکواژ «را» دو تکواژگونه [ro] و [o] دارد که مقید به بافت آوایی واژه پیش از خود هستند:

واژه «را» در بافت پس از واژه‌های مختوم به سه واکه [e]، [a] و [a] طی یک فرایند اجباری به [ro] تبدیل می‌شود. در فرایند تبدیل تکواژ /ra/ به تکواژگونه [ro] واکه افتاده /a/ طی فرایند افراستگی به واکه [o] تبدیل شده است. عامل تبدیل تکواژ /ra/ به تکواژگونه [ro] محدودیت نشان‌داری \*a<sub>popo</sub> است. این محدودیت تولید واکه [a] در پس‌اضافه را مجاز نمی‌شمارد.

تکواژ /ra/ در بافت پس از واژه‌های مختوم به یک همخوان، به تکواژگونه [o] تبدیل می‌شود. محدودیت نشان‌داری \*C[r]postposition عامل حذف همخوان /r/ در واژه «را» در بافت پس از واژه‌های مختوم به یک همخوان است.

واژه «را» در بافت پس از واژه‌های مختوم به سه واکه [i]، [u] و [o] به طور اختیاری، به یکی از دو تکواژگونه [ro] یا [o] تبدیل می‌شود. این وضعیت اختیاری بودن یا گوناگونی آزاد نامیده می‌شود. گوناگونی آزاد در نظریه بهینگی به صورت انطباق یک درون‌داد با دو برون‌داد که هر دو دستوری هستند تعریف می‌شود.

علت تبدیل واژه «را» به [o] پس از واژه‌های مختوم به سه واکه [i]، [u] و [o]، حذف همخوان /r/ است که شرایط را برای درج غلت میانجی فراهم می‌کند. جایگزینی همخوان /r/ با غلت بدین دلیل رخ می‌دهد که تولید واکه افراشته [i] تولید غلت افراشته [j]، و تولید دو واکه گرد [u] یا [o] تولید غلت گرد [w] را تسهیل می‌کند، زیرا هنگام تلفظ توالی [i] و [j] زبان پس از تولید واکه [i]، در همان وضعیت افراشته (نزدیک به کام) نیم‌واکه [j] را نیز تولید می‌کند. ولی هنگام تلفظ توالی [i] و [r] زبان پس از تولید واکه [i]، باید تغییر وضعیت بدهد تا بتواند همخوان [r] را تولید کند. همچنین، توالی [u] و [w] یا توالی [o] و [w] فقط توسط یک اندام فراگویی یعنی لب‌ها تولید می‌شود. ولی توالی [u] و [r] یا توالی [o] و [r] توسط دو اندام فراگویی جداگانه یعنی لب‌ها و زبان تولید می‌شوند. بنابراین، تلفظ توالی [i] و [j]

راحت تر از تلفظ توالی [i] و [r] است. تلفظ توالی [u] و [w] یا توالی [o] و [w] نیز راحت تر از تلفظ توالی [u] و [r] یا توالی [o] و [r] است. دو محدودیت [AGREE[+high]] و [AGREE[+round]] به ترتیب موجب مجاورت واکه افراشته [i] با غلت افراشته [j] و مجاورت دو واکه گرد [u] و [o] با غلت گرد [w] می‌باشند.

### کتابنامه

- جم، بشیر (۱۳۹۴ الف). راه‌کارهای برطرف کردن التقای واکه‌ها در زبان فارسی. *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*. سال هفتم، ش ۱، پیاپی ۱۲، بهار و تابستان. ص ۷۹-۱۰۰
- جم، بشیر (۱۳۹۴ ب). فرهنگ توصیفی فرایندهای واجی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حاجتی، عبدالخلیل (۱۳۵۸). فعل لازم و «را» در زبان فارسی. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تربیت معلم*. ش ۵. ص ۲۱۱-۱۸۵.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۶۹). پیرامون «را» در زبان فارسی. *مجله زبان‌شناسی*، س ۷، ش ۱، ص ۲-۶۰.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. تهران: سمت.
- شقایقی، ویدا (۱۳۸۷). *مبانی صرف*. تهران: سمت.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۴۹). «را» در زبان فارسی امروز. *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*. ش مسلسل ۹۳. ص ۲۲-۹.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۶۵). التقای مصوت‌ها و مسأله صامت‌های میانجی. *مجله زبان‌شناسی*، ش ۶، ص ۲۲-.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۶۶). «را» پس از فعل. *نشر دانش*. س ۷، ش ۶.

- Amherst: GLSA. Prince, A., & Smolensky, P. (1993/2004). *Optimality theory: constraint in generative grammar*. MIT Press.
- Anttila, A. (1995). *Deriving variation from grammar: a study of Finnish genitives*. MS., Stanford University. [ROA-63]
- Anttila, A. (2002). Morphologically conditioned phonological alternations. *NLLT* 20.1: 1-42.
- Baković, E. (2000). *Harmony, Dominance and Control*. Doctoral dissertation, Rutgers University, New Brunswick, NJ.
- Boersma, P (1998). *Functional phonology. Formalizing the interactions between articulatory and perceptual drives*. Utrecht: LOT.
- Bussmann, H (1996), *Routledge dictionary of language and linguistics*. London and New York: Routledge.

- Faithfulness and reduplicative identity, InJ. Beckman; L. Walsh Dickey & S. Urbanczyk, (Eds.). *University of Massachusetts occasional papers in linguistics 18: Optimality theory* (249–384).
- Human Behavior and the Principle of Least Effort. Boston: Addison Wesley.
- Kager, R. (1994). *Ternary rhythm in alignment theory*. Unpublished Ms., Utrecht University. [ROA-35].
- Kager, R. (1999). *Optimality Theory*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Karimi, S. (1989). *Aspects of Persian Syntax, Specificity, and the Theory of Grammar*. Doctoral dissertation, University of Washington.
- Katamba, F. (1993). *Morphology*. London: Macmillan press Ltd.
- Kent, R.G. (1950). *Old Persian: Grammar, Texts, Lexicon*, New Haven: American Oriental Society.
- Kiparsky, P. (1993). Variable rules. Handout from *Rutgers Optimality Workshop I*, October, Rutgers University, New Brunswick, NJ.
- Lombardi, L. (1996). *Positional Faithfulness and Voicing Assimilation in Optimality Theory*. Ms., University of Maryland, College Park.
- MacBride, A. I. (2004). *A constraint-based approach to morphology*, Doctoral dissertation, University of California.
- McCarthy, J. & Prince, A. (1995).
- Reynolds, W. T. (1994). *Variation and phonological theory*. Doctoral dissertation. University of Pennsylvania, Philadelphia.
- Zipf, G. (1949).